

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه پنجاه و نهم ۱۵/۱۱/۹۶

آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (۲۵)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

در جلسه گذشته در رابطه با مبانی فکری و اعتقادی احمد ابن حنبل که امروزه برای کل اهل سنت ملاک قرار گرفته است سخن گفتیم بحث این بود که در برابر حاکم ظالم باید ساکت شد و با اینها به هیچ وجهی مخالفت نکرد هرکاری حاکمان ظالم انجام می دهند به عهده خودشان است.

«اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا فَإِنَّمَا عَلَيْهِمْ مَا حُمِّلُوا وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ»

صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۷۴، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱،

دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي

فردای قیامت نه آنها را در قبر شما می گذارند و نه شما را در قبر آنها می گذارند و حساب آنها به عهده خودشان است و حساب شما هم به عهده خود شماست.

«تَسْمَعُ وَتُطِيعُ لِلْأَمِيرِ وَإِنْ ضُرِبَ ظَهْرُكَ وَأُخِذَ مَالُكَ فَاسْمَعْ وَأَطِعْ»

صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۷۶، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱،

دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي

تا کار به این جا می‌رسد که از نبی مکرم نقل می‌شود:

«تَمَسَّكُوا بِطَاعَةِ أُمَّتِكُمْ وَلَا تُخَالِفُوهُمْ فَإِنَّ طَاعَتَهُمْ طَاعَةُ اللَّهِ وَإِنَّ مَعْصِيَتَهُمْ مَعْصِيَةُ اللَّهِ»

اطاعت و فرمانبرداری از حاکم اطاعت و فرمانبرداری از خدا است و معصیت این‌ها معصیت خدا است.

المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۳۷۳، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني الوفاة: ۳۶۰، دار

النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي

وقتی شیعه نقل می‌کند که در کتاب‌های شما موجود است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم فرمود:

«يا فاطمة ان الله عز وجل ليغضب لغضبك ويرضى لرضاك»

المعجم، ج ۱، ص ۱۹۰، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن المثنى الموصلي أبو يعلى الوفاة: ۳۰۷، دار النشر: إدارة

العلوم الأثرية - فيصل آباد - ۱۴۰۷، الطبعة: الأولى، تحقيق: إرشاد الحق الأثري

این را نمی‌پذیرید.

یک کلیپی از این وهابی‌های سرشناس به نام عرعور است من نمی‌دانم این کلیپ را قبلا این جا پخش کردم

یانه، ایشان می‌آید رسماً اعلام می‌کند، مگر می‌شود خدای عالم رضایتش وابسته‌ی به رضایت یک مخلوقی

باشد این توهین و اهانت به خدا است، این کلیپ را باهم بینیم.

**کلیپ عرعور:**

در مورد برادری که گفت خداوند به خاطر غضب فاطمه غضبناک می‌شود می‌گوییم نه برادر خداوند بالاتر از آن

است که پیرو یک انسان باشد والسلام. خداوند اجل از این است.

**استاد قزوینی:**

عرعور می‌گوید: خداوند اجل از این است که به خاطر ناراحتی یک بنده بخواهد ناراحت بشود! وقتی که به صدیقه‌ی طاهره می‌رسند این شکلی برخورد می‌کنند ولی نسبت به حاکمان ظالم مثل عبدالملک‌ها، مروان‌ها، حجاج ابن یوسف‌ها، مأمون‌ها و معاویه‌ها و... می‌گویند اطاعت این‌ها اطاعت خدا است و معصیت این‌ها معصیت خدای عالم است.

اگر کسی از این‌ها یک سوال خیلی ساده و عامیانه بپرسد اگر حاکم اسلامی دستور خلاف شرع داد و گفت برو زنا کن، وظیفه مردم در این‌جا چیست، باید اطاعت کنند و یا معصیت کنند؟

طبق روایتی که شما نقل می‌کنید معصیت حاکم شرع خلاف شرع است معصیت خدا است. از آن طرف خدای عالم می‌گوید زنا نکن، حاکم شرع می‌گوید زنا کن! خدا می‌گوید دزدی نکن، حاکم اسلامی می‌گوید دزدی بکن! تکلیف جامعه چیست؟ آیا خدا بخاطر سرپیچی از نهی خودش غضبناک نمی‌شود ولی بخاطر سرپیچی از نهی حاکم جائز غضبناک می‌شود؟! حاکم جائز غضبناک می‌شود؟! حاکم جائز غضبناک می‌شود!؟

**پرسش:**

استادا! از پدر و مادر هم ما باید اطاعت کنیم.

**پاسخ:**

از پدر و مادر اطاعت کنیم مادامی که:

**(وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا)**

**سوره عنکبوت (۲۹): آیه ۸**

**پرسش:**

شاید این‌ها هم همان را می‌گویند.

پاسخ:

نه، ایشان می‌گویند:

«وإن أمرک بأمر ینقص دینک فقل سمع وطاعة»

اگر دستور ضد دینی هم به تو داد وظیفه‌ی تو این است که از او تبعیت کنی

سنن البیهقی الکبری، ج ۸، ص ۱۵۹، اسم المؤلف: أحمد بن الحسین بن علی بن موسی أبو بکر البیهقی الوفاة:

۴۵۸، دار النشر: مكتبة دار الباز - مكة المكرمة - ۱۴۱۴ - ۱۹۹۴، تحقیق: محمد عبد القادر عطا

«وإن أمرک بشیء ینقص دینک»

در این صورت ما چه کار کنیم؟ آیا این‌ها که می‌گویند معصیتش، معصیت الله است ما نسبت به ائمه علیهم

السلام طبق آیه‌ی شریفه‌ی:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

سوره نساء (۴): آیه ۵۹

می‌گوییم این آیه دلالت می‌کند این‌ها معصوم هستند، و هرگز دستور خلاف شرع از این‌ها صادر نمی‌شود.

می‌گویند نه شما قائل به عصمت ائمه هستید و این غلو و شرک و کفر و امثال این است.

ولی شما ببینید در مورد حاکمان خودشان چه می‌گویند:

«تَمَسَّكُوا بِطَاعَةِ أَيْمَتِكُمْ وَلَا تَخَالِفُوهُمْ فَإِنَّ طَاعَتَهُمْ طَاعَةُ اللَّهِ وَإِنَّ مَعْصِيَتَهُمْ مَعْصِيَةُ اللَّهِ»

روایت دیگر:

«أَنَّ رَجُلًا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا هَذَا الْأَمْرُ إِلَّا فِي قَوْمِكَ قَالَ بَلَى قَالَ فَوَصَّيهِمْ  
بِنا فقال لِقُرَيْشٍ إِنِّي أُحَذِّرُكُمْ اللَّهَ أَنْ تَشْفُوا عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي»

...باعث نشوید که امت من تفرقه پیدا کند.

المعجم الكبير، ج ٨، ص ١٠٨، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني الوفاة: ٣٦٠ ، دار  
النشر : مكتبة الزهراء - الموصل - ١٤٠٤ - ١٩٨٣ ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : حمدي بن عبدالمجيد السلفي

بعد فرمود:

«سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أَمْرَاءُ فَأَدُّوا إِلَيْهِمْ طَاعَتَهُمْ»

اطاعت اینها را لازم بدارید

«فَإِنَّ الْأَمِيرَ مِثْلُ الْمَجْنُونِ»

امیر همانند یک سپر است.

«يُتَّقَى بِهِ»

شما باید توسط امیر که سپر است خودتان را حفظ کنید

«فَإِنْ صَلَحُوا وَتَقُوا وَأَمَرُوكُمْ بِخَيْرٍ فَلَكُمْ وَلَهُمْ وَإِنْ أَسَؤُوا وَأَمَرُوكُمْ فَعَلَيْهِمْ وَأَنْتُمْ مِنْهُمْ بَرَاءٌ»

فقط همین اندازه اگر اینها کارهای خلاف می‌کنند به شما ارتباطی ندارد شما حق هیچ‌گونه دخالت و اعتراض و  
قیام در برابر اینها را ندارید.

«لا تسبوا السلطان فإنه ظل الله في الأرض»

شما به پادشاه حق فحش دادن ندارید، زیرا پادشاه سایه خدا در زمین است.

فضيلة العاديين، ج ۱، ص ۱۵۶، اسم المؤلف: أبو نعيم الأصبهاني الوفاة: ۴۳۰ هـ ، دار النشر :

همان طور که در زمان محمد رضا شاه پهلوی می گفتند:

«السلطان ظل الله»

و در کتاب السنة ابی عاصم هم به همین شکل آمده است.

در مطلب بعدی دارد:

«من أكرم سلطان الله أكرمه الله يوم القيامة»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۵، ص ۴۲، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ۲۴۱ ، دار

النشر : مؤسسة قرطبة - مصر

در رابطه با حاکمی که کافر است دارند:

«فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُفَرِّقَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهِيَ جَمِيعٌ فَأَضْرِبُوهُ بِالسَّيْفِ كَأَنَّكَ مِنْ كَانٍ»

صحيح مسلم ، ج ۳، ص ۱۴۷۹، حديث ۱۸۵۲، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري

النيسابوري الوفاة: ۲۶۱ ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي

همین روایت را برای مشروعیت شهادت حضرت سید الشهداء سلام الله علیه ملاک قرار دادند، ابن عربی

می گوید امام حسین علیه السلام را با شمشیر پیغمبر، و به استناد حرف پیغمبر صلی الله علیه وآله کشتند.

«إِنَّ الْحُسَيْنَ قُتِلَ بِسَيْفِ جَدِّهِ»

باز هم دارند:

«من خرج وعلى الناس إمام والله ما قال عادل»

تاریخ الطبري ، ج ۲ ، ص ۶۴۴ ، اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري الوفاة: ۳۱۰ ، دار النشر : دار

الكتب العلمية – بيروت

امام عادل نگفت

« فاقتلوه كائنا من كان »

کاملاً مشخص است که بنی امیه این روایات را جعل کردند تا کارهای معاویه، یزید و افرادی که بعد از آنها خواهند آمد را توجیه کنند.

احمد ابن حنبل می‌گوید:

«عليكم بالإنكار بقلوبكم ولا تخلعوا يداً من طاعة ولا تشقوا عصا المسلمين ، ولا تسفكوا دماءكم ودماء المسلمين معكم»

اگر حاکم اسلامی کارهای خلاف هم می‌کند، همین‌طور که قلباً از او بدتان بیاید کفایت می‌کند مبادا شما دست از اطاعت حاکم بر دارید در جامعه اختلاف ایجاد کنید و خونریزی کنید.

غذاء الألباب شرح منظومة الأداب، ج ۱، ص ۱۷۸، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن سالم السفاريني الحنبلي الوفاة: ۱۱۸۸هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية – بيروت / لبنان – ۱۴۲۳هـ – ۲۰۰۲م ، الطبعة : الثانية ، تحقيق :

محمد عبد العزيز الخالدي

مروزی می گوید من از احمد بن حنبل شنیدم که می گفت:

«یأمر بكف الدماء وينكر الخروج إنكاراً شديداً»

السنة ، ج ١، ص ١٣١، اسم المؤلف: أبو بكر أحمد بن محمد بن هارون بن يزيد الخلال الوفاة: ٣١١ هـ ، دار النشر

: دار الراجية - الرياض - ١٤١٠هـ - ١٩٨٩م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. عطية الزهراني

مبادا کسی در برابر حاکم بخواد خروج کند.

ابن بطال نیشابوری می گوید این احادیث حجت و دلیل است در این که ما بر ائمه جور، خروج نکنیم.

« والفقهاء مجمعون على أن الإمام المتغلب طاعته لازمة »

آن امامی که با کودتا و به زور روی کار آمده باشد اطاعتش واجب است.

شرح صحيح البخاري، ج ١٠، ص ٨، اسم المؤلف: أبو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك بن بطال البكري

القرطبي الوفاة: ٤٤٩هـ ، دار النشر : مكتبة الرشد - السعودية / الرياض - ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٣م ، الطبعة : الثانية ،

تحقيق : أبو تميم ياسر بن إبراهيم

المتغلب یعنی کسی که به اصطلاح امروز، کودتا کند و روی کار بیاید اطاعتش واجب است.

قرطبی می گوید:

«والذي عليه الأكثر من العلماء أن الصبر على طاعة الإمام الجائر أولى من الخروج عليه»

اطاعت امام جائر اولی از خروج است.

الجامع لأحكام القرآن، ج ٢، ص ١٠٩، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار

الشعب - القاهرة ، باب البقرة: (١٢٤).



نووی می‌گوید:

«وأما الخروج عليهم وقتالهم فحرام بإجماع المسلمين وإن كانوا فسقة ظالمين»

صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۱۲، ص ۲۲۹، اسم المؤلف: أبو زكريا يحيى بن شرف بن مري النووي الوفاة:

۶۷۶، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - ۱۳۹۲، الطبعة: الطبعة الثانية.

نووی که از فقهای بزرگ شافعی است. ربطی به حنابله و احناف و مالکیه ندارد ادعای اجماع می‌کند.

«فحرام بإجماع المسلمين وإن كانوا فسقة ظالمين»

اگر همین بخواهد ملاک باشد برای این افرادی که از هفتاد هشتاد کشور، حدود صد و بیست هزار نیرو در سوریه برای جهاد جمع کردند. می‌گوییم آقایان بزرگان شما از حنابله، مالکیه، حنفیه، شافعیه گرفته همه ادعای اجماع می‌کنند که خروج در برابر حاکم گرچه فاسقِ ظالم هم باشد حرام است.

پرسش:

استادا! این‌ها در مورد سوری‌ها و تشیع اول نسبت کفر می‌دهند طرف را کافر حساب می‌کنند و دیگر حاکم اسلامی حسابش نمی‌کنند.

پاسخ:

کافر حساب می‌کنند! روایت آن را هم ما می‌خوانیم روایتی که در مورد حاکم کافر است. ابن عثیمین از مفتیان سرشناس عربستان سعودی و جزو آن ۷ نفر دایره و لجنه افتاء است.

ابن عثیمین می‌گوید:

«هل يجب علينا إذا جاز لنا أن نخرج على الحاكم؟ هل يجب علينا أن نخرج؟»

لقاء الباب المفتوح - (ج ٥١ / ص ١٩)

ما حق نداریم در برابر حاکم قیام بکنیم

« وتمادی فی طغیانہ وکفرہ »

اگر چه در طغیان و کفرش زیاده‌روی هم کرده باشد.

صالح الفوزان ایشان هم عضو لجنه افتاء عربستان سعودی است من در کنار بیت الله الحرام با ایشان بگو مگوی خیلی تندی داشتم ایشان می‌گفت شما شیعیان همه مشرک و کافر هستید من هم گفتم

(وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ)

سوره توبه (٩): آیه ٦

ما حاضر هستیم این‌جا بنشینیم شما کفر ما را ثابت بکنید و ثابت کنید که شیعه بد است ما توبه کنیم! اگر دلیلی دارید برای ما بیان کنید عصبانی شد و عبايش را روی دوشش انداخت رفت و گفت:

«ما عندي دليل»

تعداد هفت، هشت تا دانشجو که آن‌جا بودند به آن‌ها گفتم وقتی این‌هایی که عضو لجنه افتاء و بزرگان هستند این‌طوری برخورد می‌کنند ما در همه چیز شک می‌کنیم.

خیلی آدم تند، بد اخلاق و پستی است. می‌گوید:

«فلا يجوز لهم أن يتحرّشوا بالظلمة الكفرة»

به ظالمینی که کافر هستند شما حق تعرض ندارید.

بعد استدلال می‌آورد:

« والنبي صلى الله عليه وسلم عاش في مكة ثلاثة عشرة سنة بعد البعثة، والولاية للكفار »

با این‌که ولایت در مکه با کفار بوده آن‌ها حاکم بودند ولی پیغمبر صلی الله علیه وآله در برابر آن‌ها قیام نکرد!

یک نفر نیست که به او بگوید پیغمبر اکرم در مکه، قدرت نداشت، قیام در برابر ظالم در برابر فاسق در برابر کافر مشروط بر قدرت است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم به مجرد این‌که به مدینه آمد قدرت پیدا کرد، اول کاری که انجام داد جلو قافله‌های قریش را گرفت و تمام اموال‌شان را مصادره کرد. بعد آن‌ها لشکرکشی کردند پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم در بدر، در احد و احزاب و غیره در برابر آن‌ها ایستاد؛ چون قدرت داشت.

با:

« والولاية للكفار »

دارند کارهای خودشان را به فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه وآله و سلم مستند می‌کنند.

پرسش:

استاد ببخشید! تناقضی که در خود احمد ابن حنبل است این‌که حدیث اطاعت از حاکم را نقل می‌کند ولی خودش در قضیه خلقت قرآن و بحث محنت خلاف حدیث خودش عمل کرده است.

پاسخ:

بله، ایشان در رابطه با خلقت، کاملاً خلاف نظر خودش عمل کرد و در برابر این‌ها ایستاد شلاق زدند زندان بردند و شکنجه‌اش کردند و حاضر نشد از عقیده‌اش دست بردارد!

**پرسش:**

استاد! این شرط قدرت بالجمله است یا فی الجمله

**پاسخ:**

به طور کلی به مجرد این‌که جامعه یا فرد فرق نمی‌کنند فرد یا جامعه قدرت برای ازاله ظلم داشته باشند باید قیام کنند.

«فکونا للظالم خصما وللمظلوم عوناً»

مطلق است به مجرد حصول قدرت، حکم وجوب به گردنش می‌آید، قیام دائرمدار قدرت است. آیا می‌تواند ظلم ظالم را دفع بکند یا نمی‌تواند؟ حداقل احتمال عقلایی بدهد که من می‌توانم یک دفعه احتمال عقلایی نمی‌دهد با افرادی هم مشورت می‌کند هیچ کس صلاح نمی‌بیند آن‌جا یک بحث جدایی است.

**پرسش:**

تاریخ صراحت دارد مثلاً همین انقلاب اسلامی یا قیام امام حسین سلام الله علیه حالا ایشان که معصوم بودند راجع به انقلاب اسلامی که کسی احتمال پیروزی نمی‌داد شخص حضرت امام بودند.

**پاسخ:**

خود امام تشخیص داد اگر قیام بکند ولو دیر یا زود این قیام، نتیجه خواهد داد، یعنی ایشان به این نتیجه رسید با توجه به نفوذی که در جامعه داشت ایشان قطع پیدا کرد که می‌تواند موفق بشود ولو در طول سالیان متمادی این برایش محرز شده بود.

**پرسش:**

یعنی کار به نظر دیگران نداریم همان شخص مهم است.

**پاسخ:**

بله شخص و فرد مهم است، الان برای من تکلیف است یا تکلیف نیست من کاری به دیگران ندارم احکام شرعی بر مکلف است بر جامعه که نیست برای آحاد جامعه است نه مجموع جامعه. فردای قیامت هم مجموع جامعه بما هو جامعه وجود خارجی که ندارد عذاب بکنند. اگر هم جامعه را عذاب کنند به اعتبار افراد جامعه هست و لذا حکم روی افراد می‌آید. اگر کل افراد را گرفت می‌گوییم حکم بر جامعه آمده باز هم بر جامعه، به اعتبار آحاد جامعه است و لذا کسی که برایش محرز بشود که می‌تواند، برایش واجب است اگر احتمال عقلایی ندهد آنجا تکلیف از او ساقط است.

**پرسش:**

استادا! جواب آن موردی را فرمودید در مدینه قدرت داشت بیایند بگویند که آنجا در مدینه بود در مکه که نبود که زیر نظر اینها باشد و آن هم حاکم‌شان باشد هر کار بخواهد بکند یک گروه مستقل بودند قریش هم بالای سرشان نبودند توانستند آن کار را انجام بدهند جواز داشتند.

**پاسخ:**

ببینید این آقا می‌گوید پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله در برابر کفار قیام نکرد می‌گوییم در مکه قیام نکرد چون در مکه قدرت نداشت، در مدینه رفت قدرت پیدا کرد علیه همان‌هایی که در مکه بودند قیام کرد، پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله علیه افراد دیگر قیام نکرد.

بن باز هم به صراحت می‌گوید خروج بر علیه حاکمانی که کافر هستند جائز نیست.

البانی هم می‌گوید:

«فنحن نذكر دائماً وأبداً»

ما همیشه و همواره این را خواهیم گفت

دروس للشيخ الألباني - (ج ۴۲ / ص ۳)

« أن الخروج على الحكام - ولو كانوا من المقطوع بكفرهم - ليس مشروعاً إطلاقاً »

مطلقاً جایز نیست ولو این‌که قطع به کفر آن‌ها هم داشته باشیم! دیگر از این بالاتر و واضح‌تر!

پرسش:

استادا! این‌ها برای آیه‌ی:

(وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا)

سوره نساء (۴): آیه ۱۴۱

چه جوابی دارند؟

پاسخ:

باید از خودشان سوال کنید ما که وکیل مدافعشان نیستیم می‌گویید:

« أن الخروج على الحكام -ولو كانوا من المقطوع بكفرهم- ليس مشروعاً إطلاقاً»

به هیچ وجه یعنی تمام شرط و شروطها را بر می‌دارد

**پرسش:**

استادا! شاید این به خاطر مصالح عمومی جامعه باشد که این دستور را می‌دهد.

**پاسخ:**

وقتی می‌گویید خروج بر حاکم کافر، مقطوع الکفر جایز نیست در جامعه چه کسی می‌خواهد بگوید؟ جامعه به دهان علماء نگاه می‌کند.

**پرسش:**

بر اساس مصلحت می‌گویند اگر یک حاکم نباشد قطعاً هرج و مرج به وجود خواهد آمد طبق آن معیاری که ما داریم در این که حاکم باید عادل باشد آن‌ها این را ندارند و معتقد نیستند. از طرف دیگر هم می‌گویند خداوند می‌تواند ظلم هم بکند؛ در نتیجه سعی می‌کنند زیر پوشش یک حاکم مصلحت عمومی و جمیع را در نظر بگیرند لذا پشت سر هم از این نمونه فتاوی صادر می‌کنند.

**پاسخ:**

این نیست! فتاوی این‌ها به خاطر حاکمانی است که از این‌ها پشتیبانی می‌کنند امثال دودمان آل شیخ و عبدالعزیزها و ملک سلمان و ملک عبدالله. این‌ها دنبال این هستند که با این فتاوا کسی علیه این‌ها شورش نکند. این فتاوا جنبه اسلامی ندارد.

(وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا)

سوره نساء (۴): آیه ۱۴۱

(وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمْ النَّارُ)

سوره هود (۱۱): آیه ۱۱۳

روایات زیادی ما از ائمه اهل بیت علیهم السلام حتی از نبی مکرم صلی الله علیه وآله داریم که مبارزه با ظلم و ستم لازم است تمام این‌ها را این آقایان دیدند همه را کنار زدند برای تحصیل رضایت حکام ظالم و مستبدشان دارند این طور فتوا صادر می‌کنند.

یکی از اساسی‌ترین افتخارات شیعه و روحانیت آن در طول تاریخ این است، که روحانیتش و حوزه‌های علمیه‌اش وابسته به حکومت نبودند مستقل بودند با وجوهات شرعی و پول‌هایی که مردم به این‌ها می‌دادند حوزه‌ها را اداره می‌کردند. ولی شما ببینید علمای اهل سنت از دیر زمان تا الان این‌ها حقوق بگیر حکومت هستند اگر کوچک‌ترین جمله‌ای علیه حکومت بگویند اول کاری که می‌کنند حقوق ماهیانه‌شان را قطع می‌کنند.

علمای اهل سنت ما هم بارها اعتراف می‌کنند می‌گویند یک افتخاری که شیعه دارد حوزه‌های علمیه و مراجعش مستقل هستند. ولی ما حقوق بگیر حکومت هستیم ما نمی‌توانیم حرف بزنیم. اگر حرف بزنیم از تمام زندگی ما را ساقط می‌کنند خانه‌های سازمانی که به ما دادند می‌گیرند نماز جمعه‌ای که ما می‌رویم حکومت برای ما معین می‌کند همه این‌ها را از دست ما می‌گیرند!

این فتاوی به خاطر این است که اگر خلاف این را صادر کنند هستی خودشان به باد می‌رود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته